



نامه‌هایی در تربیت
زیبایی‌شناختی انسان

فریدریش شیلر
ترجمه سید مسعود حسینی

/ نامه‌هایی در تربیت زیبایی‌شناختی انسان / فریدریش شیلر / ترجمه سید مسعود حسینی /

/ مدیر هنری و طراح جلد: سیاوش تصاعدیان /

/ صفحه‌آرا: محمدرضا اسلامی / چاپ اول / ۱۴۰۰ تهران / ۱۱۰ نسخه /

/ چاپ و صحافی: پردیس دانش / شابک: ۰-۳۸-۷۵۵۴-۶۲۲-۹۷۸ /

/ نشانی فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴ /

/ تلفن فروشگاه: ۰۶۶۹۶۳۶۱۷ / ۰۶۶۹۶۳۶۱۶ / تلفکس: ۰۶۶۹۶۳۶۱۶ /

/ www.bidgol.ir /

/ همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. /

انتزربیدگل | Bidgol Publishing co. |

انتزربیدگل

۹	پیشگفتار مترجم
۱۹	مقدمه: نامه‌های زیبایی‌شناختی: زمینه و چکیده
۱۲۳	نامه‌هایی در تربیت زیبایی‌شناختی انسان
۱۲۵	نامهٔ اول
۱۲۹	نامهٔ دوم
۱۳۳	نامهٔ سوم
۱۳۹	نامهٔ چهارم
۱۴۵	نامهٔ پنجم
۱۴۹	نامهٔ ششم
۱۶۱	نامهٔ هفتم
۱۶۵	نامهٔ هشتم
۱۶۹	نامهٔ نهم
۱۷۷	نامهٔ دهم
۱۸۵	نامهٔ یازدهم
۱۹۱	نامهٔ دوازدهم

۱۹۷	نامه سیزدهم
۲۰۵	نامه چهاردهم
۲۰۹	نامه پانزدهم
۲۱۷	نامه شانزدهم
۲۲۳	نامه هفدهم
۲۲۷	نامه هجدهم
۲۳۱	نامه نوزدهم
۲۳۹	نامه بیستم
۲۴۳	نامه بیست و یکم
۲۴۷	نامه بیست و دوم
۲۵۵	نامه بیست و سوم
۲۶۳	نامه بیست و چهارم
۲۷۳	نامه بیست و پنجم
۲۷۹	نامه بیست و ششم
۲۸۹	نامه بیست و هفتم
۳۰۳	واژه نامه
۳۰۷	کتابنامه
۳۱۱	نمایه

انتزریبیدگل

پیشگفتار مترجم

فریدریش شیلر (۱۸۰۵-۱۷۵۹) در اصل شاعر و نمایشنامه‌نویس بود، گرچه در ابتدا پزشکی خواند و بعدها آثاری برجسته در تاریخ نیز به نگارش درآورد. اما با نگارش نامه‌هایی در تربیت زیبایی‌شناختی انسان و آثار دیگری در زیبایی‌شناسی، خود را در قد و قامت فیلسوفی برجسته مطرح ساخت. نامه‌ها اثری فلسفی-نظری است که اگر از منظر غایتش به آن بنگریم، جنبه عملی (سیاسی-اخلاقی) اش برجسته می‌شود، و اگر از منظر وسیله تحقق این غایت به آن بنگریم، جنبه زیبایی‌شناختی اش جلب نظر می‌کند. روح فلسفه نقدی کانت بر نامه‌ها حاکم است، اما این اثر بیسی دور از آن است که تکرار مضامین کانتی باشد. شیلر در نامه‌ها استعداد و نبوغ خود را در فلسفه و تاریخ و نگرستن به این دو در آینه یکدیگر آشکار می‌سازد. بی‌شک نمی‌توان این اثر را از حیث دامنه و عمق و استحکام نظری با آثار بزرگی چون نقد قوه حکم کانت و درسگفتارهایی در باب زیبایی‌شناسی هگل مقایسه کرد. با وجود این، ایده‌ها و مضامین بدیعی در آن مطرح شده‌اند که نشان‌دهنده این اثر را در ردیف آثار کلاسیک فلسفه آلمان موجه می‌دارند.

شیلر نامه‌ها را در سال ۱۷۹۵ منتشر ساخت، در دهه‌ای که نقدهای سه‌گانه کانت را پشت سر داشت و آثار برجسته فیثته و شلینگ و هگل را پیش رو. از این رو، نامه‌ها را باید در بستر فلسفه نقدی و در چشم انداز ایدئالیسم آلمانی قرائت کرد. شیلر خود در این اثر از کانت و فیثته یاد می‌کند،^۱ در حالی که شلینگ و هگل هنوز به عرصه نرسیده بودند. فیثته از آرای شیلر در نامه‌ها آگاه بوده و برخی از آنها را نقد کرده است^۲، و شهرت شیلر در آن ایام دلیل خوبی است بر این مدعا که شلینگ و هگل نیز نامه‌ها را خوانده‌اند. در مورد نسبت فیثته و شیلر، به گواهی اثر پیش رو، حق این است که شیلر را از برخی جهات وام‌دار فیثته بدانیم، اما بی‌تردید شلینگ و به‌ویژه هگل بی‌اندازه وام‌دار شیلر بوده‌اند. بر این اساس، مایه تأسف است که نامه‌های پیش‌تر به وجهی درخور به فارسی برگردانده نشده است.^۳ نامه‌ها اثر فلسفی عمیق و نسبتاً دشواری است و از این رو، گاهی پیگیری استدلال‌های مندرج در آن بی‌اندازه سخت است. این دشواری برای خواننده فارسی‌زبان دوچندان است، از این

۱. تأثیر اندیشه‌های کانت بر شیلر آشکار است، اما شیلر در نامه‌ها دوبار به فیثته اشاره می‌کند، یک بار به اثر او تحت عنوان درس‌گفتارهایی در باب رسالت دانشور و بار دیگر به اثر دیگر او با عنوان بنیاد کل آموزه علم، و هر دو بار نیز به وجهی تأییدآمیز. هردوی این آثار به فارسی ترجمه شده‌اند. بنگرید به: یوهان گوتلیب فیثته، گفتارهایی درباره رسالت دانشمند، ترجمه اسماعیل سعادت (تهران: فرهنگ جاوید، ۱۳۹۵)، و یوهان گوتلیب فیثته، بنیاد آموزه فراگیر دانش، ترجمه سید مسعود حسینی (تهران: حکمت، ۱۳۹۵).

۲. شیلر نیز از آرای فیثته در زیبایی‌شناسی مطلع بوده و به دلیل مغایرت آنها با آرای خویش از انتشار آنها در مجله خود، هورن، امتناع کرده است. بنگرید به یوهان گوتلیب فیثته، در باب روح و لفظ در فلسفه [رساله‌ای در زیبایی‌شناسی]، ترجمه سید مسعود حسینی (تهران: شب‌خیز، ۱۳۹۸).

۳. مرحوم محمود عبادیان نخستین بار این اثر را به فارسی برگردانده‌اند. بنگرید به فردریش شیلر، آزادی و دولت فرزندی، نامه‌هایی در تربیت زیبایی‌شناختی انسان (تهران: اختران، ۱۳۸۵).

جهت که خواندنی‌های زیادی به زبان فارسی در مورد اندیشه‌های زیبایی‌شناختی شیلر در دست نیست. نگارنده نیز در مقامی نیست که تمامی مضامین این اثر را در این پیشگفتار شرح دهد، گویا اینکه آثاری چنین هرگز تن به تفسیری نهایی نمی‌دهند. از همین رو، برای اطلاع خواننده از چند و چون شکل‌گیری نامه‌ها، زمینه تاریخی و فرهنگی و سیاسی و فلسفی اثر، مضامین آن، استدلال‌های مندرج در آن و تفسیرهایی که دیگران از این کتاب به عمل آورده‌اند، فصلی از کتاب شیلر در مقام فیلسوف تحت عنوان «نامه‌های زیبایی‌شناختی: زمینه و چکیده» به قلم فردریک بیزر به فارسی ترجمه و تحت عنوان «مقدمه» به کتاب افزوده شد. وجود این افزوده نگارنده را تا حد زیادی از بیان مطالبی که چه بسا دانستن آنها پیش یا پس از مطالعه اثر سودمند باشد معاف می‌دارد و، در عوض، فرصتی به او می‌دهد تا بر نکات دیگری انگشت بگذارد.

انتزریدگل

مقدمه: نامه‌های زیبایی‌شناختی: زمینه و چکیده^۱

۱. مسائل و روش

اثر فلسفی عمده شیلر کتابِ او تحتِ عنوانِ نامه‌هایی در تربیتِ زیبایی‌شناختیِ انسان^۲، یا اصطلاحاً نامه‌های زیبایی‌شناختی، است که نخست در سال ۱۷۹۵ در نشریه هورن^۳ به انتشار رسید. نامه‌های زیبایی‌شناختی نظام‌مندترین و منسجم‌ترین اثر در میان همه آثار فلسفی شیلر است، و اوج همه تلاش‌های او در اوایل دهه ۱۷۹۰. شیلر در این اثر سرانجام «تحلیل امر زیبا» را که در نامه‌های کالیاس^۴ ناتمام رها کرده بود به دست می‌دهد. باز در این اثر است که او سرانجام پیوند میان اخلاق و زیبایی‌شناسی را، که در ملاحظت و منزلت^۵ آن قدر مبهم باقی گذاشته بود، تبیین می‌کند. و باز در این اثر است که پیگیرانه‌ترین دفاعِ خویش از زیبایی را به انجام می‌رساند و همه استدلال‌هایی را که در هنرمندان^۶ صرفاً به صورت منظوم

۱. این بخش ترجمه‌ای است از فصل چهارم کتاب زیر:

Frederick Beiser, *Schiller as Philosopher: A Re-Examination*, (Oxford: Oxford University Press, 2005).

2. *Über die Ästhetische Erziehung des Menschen in einer Reihe von Briefen*
3. *Horen*
4. *Kallias Briefe*
5. *Anmut und Würde*
6. *Die Künstler*

باقی گذاشته بود در آرایشی یگانه منظم و مرتب می‌سازد. در خصوص همهٔ این مسائل، نامه‌های زیبایی‌شناختی واپسین وصیت و کلام آخر اوست.

نامه‌های زیبایی‌شناختی تأثیرگذارترین اثر شیلر نیز بود. برنامهٔ این اثر راجع به تربیت زیبایی‌شناختی منبع الهام جنبش رمانتیک متقدم بود. پیام بنیادی در پس تحلیل این اثر از امر زیبا – اینکه انسان‌ها باید مبدل به آثاری هنری شوند – عاقبت مبدل به این دستور رمانتیک شد که ما باید زندگی خود را به شکل رمان درآوریم. برخی از مضامین اصلی مورد نظر شیلر – وحدت امور متضاد، دولت زیبایی‌شناختی، مفهوم آزادی – برای ایدئالیسم مطلق هولدرلین، شلینگ و هگل تعیین‌کننده بودند. میراث این اثر در مکتب فرانکفورت به حیات خود ادامه داد، مخصوصاً در زیبایی‌شناسی مارکوزه و آدورنو، که در تأکید نهادن بر اهمیت هنر برای رهایی بشریت از شیلر پیروی می‌کردند.^۱

با توجه به اهمیت و تأثیر نامه‌های زیبایی‌شناختی، نباید تعجب کرد که این اثر مناقشه‌انگیزترین اثر فلسفی شیلر بوده است. بحث و مشاجره از همان انتشار کتاب آغاز شد و هرگز متوقف نشده است. پرسش‌های زیادی هست که تکلیف آنها هنوز مشخص نیست، اما دوققره از آنها علی‌الخصوص مهم و بحث‌انگیزند. اولی مربوط است به مقاصد شیلر از نگارش این اثر: آیا نامه‌ها کوششی است برای گریز از سیاست یا درگیر شدن با آن؟ دومی مربوط است به ساختار اثر: آیا

۱. در خصوص میراث شیلر برای مکتب فرانکفورت بنگرید به

Klaus Berghahn, 'Ästhetische Reflexion als Utopie des Ästhetischen', in *Schiller, Ansichten eines Idealisten* (Frankfurt: Athenäum, 1986), 125-55.

نامه‌ها کلی یکپارچه است یا اثری است عمیقاً دستخوش شقاق؟ به نظر می‌رسد اثر از این نظر دستخوش شقاق است که شیلر هنر را هم وسیله می‌سازد هم غایت، از این نظر که «تربیتی از طریق هنر مبدل می‌شود به تربیتی از برای هنر»^۱.

نظربه بنیادی بودن این پرسش‌ها، اجتناب از آنها غیرممکن است. طی این فصل به هردو خواهم پرداخت. درخصوص پرسش نخست خواهم کوشید تا نشان دهم که نامه‌ها ذاتاً اثری سیاسی است که بُعد سیاسی‌اش تنها هنگامی معلوم می‌شود که کتاب را در بستر و زمینه مناسب قرار دهیم: سنت جمهوری خواهانه مدرن ماکیاولی، روسو، مونتسکیو و فرگوسن. در مورد پرسش دوم استدلال خواهم کرد که نامه‌ها در حقیقت اثری یکپارچه و منسجم است، و بخش‌های ظاهراً متعارض آن ابزارهایی ضروری‌اند برای دستیابی به هدف عام اثر: به دست دادن دفاعیه‌ای از زیبایی. اما معنای این سخن آن نیست که این اثری درزوبی نقص است، زیرا خواهیم دید که کماکان از حیث طرح و تحقق لغزش‌های چشمگیری در آن هست. کار من در اینجا هم جنبه تاریخی دارد هم جنبه فلسفی. از جنبه تاریخی، کار من این است که نامه‌ها را در بستر و زمینه عام آن جای دهم و آن را واکنشی به برخی از مسائل فرهنگی و سیاسی و زیبایی‌شناختی زمانه‌اش تلقی کنم. پس از افزون بر یک قرن پژوهش، هنوز نمی‌توان گفت این کار به پایان خود نزدیک شده است، زیرا موضع شیلر در بستر و زمینه مباحثات سیاسی و زیبایی‌شناختی دهه ۱۷۹۰ همچنان بسیار مبهم است. از جنبه فلسفی، خواهم

۱. این صورت‌بندی سلیسی گادامر است:

کوشید برخی از استدلال‌های استعلایی فنی‌تر شیلر را بازسازی کنیم. با این حال، این کار را صرفاً به شکلی اجمالی و طرح‌وار انجام خواهیم داد؛ شرحی دقیق‌تر و تفصیلی‌تر موکول به رساله‌ای مستقل است. در اینجا نیز نمی‌توان گفت این کار در پژوهش‌های سابق به تمامی انجام شده است. در حالی که بیشتر پژوهشگران بر سرِ ضرورتِ شرحی فلسفی از این متن توافق دارند، میانِ انتظار و عمل شکافی دهان‌گشوده است. هیچ‌یک از آثارِ تفسیری عمده راجع به نامه‌ها چیزی از جنسِ بازسازی و ارزیابیِ دقیقی از استدلال‌های این اثر به دست نمی‌دهند.^۱ یا گرفتارِ فقه‌اللغه شده‌اند^۲ یا تعمیم‌هایی کلی و برخی کلیشه‌ها را به منزله جایگزینی برای فهم فلسفی واقعی جا زده‌اند.^۳

۱. یگانه استثنای مهم که من از آن اطلاع دارم سه فصل از کتابِ آنتونی سویل در خصوصِ نامه‌هاست:

Anthony Savile, *Aesthetic Reconstructions: The Seminal Writings of Lessing, Kant and Schiller*, Aristotelian Society Series, vol. 8 (Oxford: Blackwell 1987), 193-254.

کتابِ سویل در شیلر پژوهی نادر است، از این حیث که همدلی و تیزهوشی فلسفی را باهم دارد.

۲. این مطلب در خصوصِ دو اثر زیر صادق است:

Hans Lutz, *Schillers Anschauungen von Kultur und Natur* (Berlin: Ebering, 1927) (Germanische Studien, Heft 60);

Elizabeth Wilkinson and L. A. Willoughby, 'Introduction' to their translation and edition of the work, *On the Aesthetic Education of Man* (Oxford: Clarendon Press, 1967).

همه این پژوهشگران بر اهمیتِ شرحی فلسفی از اثر تأکید می‌کنند؛ ویلکینسون و ویلوبی در حقیقت «اظهار تأسف می‌کنند» از اینکه چگونه تأکید بر شیلر در مقام شاعر مانعِ ارج‌شناسی درخور محتوای اثر شده است (xcix). با این حال، چنان که (در قسمت ۱۵) خواهیم دید، آنها کاری را که موعظه می‌کنند خود به انجام نرسانده‌اند.

۳. این مطلب در هیچ جا به قدرِ اثرزیر آشکار نیست:

Wilhelm Böhm, *Schillers Briefe über die Ästhetische Erziehung des Menschen* (Halle/Salle: Niemeyer, 1927).

اگرچه بُم نیز بر ضرورتِ ارج‌شناسی فلسفی اثر تأکید می‌کند، ایدهٔ او راجع به تفسیری فلسفی ظاهراً جای دادنِ شیلر است در مقولهٔ ایدئالیستی مطلق یا نوعی ←

نامه اول

پس مایلید مرا مفتخر سازید تا نتایج پژوهش‌هایم را دربارهٔ امر زیبا و هنر در قالب مجموعه‌ای از نامه‌ها به محضرتان عرضه کنم. من اهمیت و نیز جذابیت و ارج این کار را به طرز زنده احساس می‌کنم. از موضوعی سخن خواهم گفت که با بهترین بخشِ سعادت‌مان پیوندی بی‌واسطه دارد و فاصلهٔ چندانی با *عُلُوْ اِخْلَاقِی طَبِیْعَتِ بَشَرِی* ندارد. مسئلهٔ زیبایی را در پیشگاه دلی مطرح خواهم ساخت که همهٔ قدرتِ آن را احساس می‌کند و به عمل درمی‌آورد و در پژوهشی که در آن همان قدر ناگزیریم بر احساس‌ها اتکا کنیم که بر اصول، دشوارترین بخشِ کارم را بر عهده خواهد گرفت.

شما آنچه را من همچون نظرِ لطفی از جناب عالی می‌خواستم طلب کنم به وجهی بزرگ‌منشانه بر من تکلیف می‌کنید و در جایی که صرفاً تسلیمِ تمایلِ خویشم، ظاهر خدمت‌گزاری را به من نسبت می‌دهید. آزادی عملی که شما برایم مقرر می‌دارید نه اجبار

1. Adel
2. Gefühle
3. Schein

بلکه نیاز خود من است. من، که در به‌کاربردنِ قوالبِ مرسوم چندان کارآزموده نیستم، به‌ندرت در معرضِ این خطر خواهم بود که به‌موجبِ کاربردِ نادرستِ آن قوالب، در قبالِ ذوقِ خوبِ مرتکبِ گناه شوم. ایده‌های من، که بیش از آنکه از تجربه‌ای غنی از جهان برآمده یا از راه مطالعه کسب شده باشند مولودِ هم‌صحبتیِ یکپارچه با خودم هستند، خاستگاهِ خود را انکار نخواهند کرد، مسئولیتِ هر خطای دیگری جز فرقه‌گرایی را برعهده خواهند گرفت، و بیش از آنکه از طریقِ مرجعیت و قدرتِ بیگانه استوار بمانند به‌موجبِ ضعفِ خودشان بازگون می‌شوند.

نمی‌خواهم از شما پنهان کنم که ادعاهایی که در پی می‌آیند عمدتاً بر اصولِ کانتی متکی خواهند بود؛ ولی اگر طی این پژوهش‌ها به یادِ مکتبِ فلسفیِ خاصی افتادید، این را ناشی از ناتوانیِ من بدانید نه ناشی از آن اصول. خیر، آزادیِ روحِ شما می‌باید برای من تعرض‌ناپذیر باشد. احساسِ 'خود شما امورِ واقعی را در اختیارم خواهد گذاشت که من [ساختمانِ فکری ام را] بر روی آنها بنا می‌کنم، نیروی اندیشه‌ی آزادِ خودِ شما قوانینی را مقرر خواهد داشت که من می‌باید بر اساسِ آنها قدم بردارم.

بر سرِ آن ایده‌هایی که در بخشِ عملیِ نظامِ کانتی حکم فرما هستند فقط فیلسوفان اند که اختلافِ نظر دارند، اما به گمانم می‌توانم اثبات کنم که انسان‌ها از دیرباز درباره‌ی آنها هم‌رأی بوده‌اند. اگر آن ایده‌ها را از صورتِ فنی‌شان برهانیم، همچون اقوالِ کهنِ عقلِ عام و امورِ واقعِ غریزه‌ی اخلاقی [بشری] جلوه‌گر خواهند شد، غریزه‌ای که طبیعتِ خردمند آن را، تا پیش از بالغ شدنِ انسان به‌دستِ بینشِ

روشن، قِیمِ انسان تعیین کرده است. اما درست همین صورتِ فنی که حقیقت را برای فاهمه مرئی می‌سازد، آن را دوباره از احساس مخفی می‌کند؛ زیرا متأسفانه فاهمه اگر بخواهد اثره حسِ درونی را از آن خود کند، نخست باید متلاشی‌اش کند. فیلسوف نیز، همانند شیمی‌دان، ترکیب را فقط از طریق تجزیه و کارِ طبیعتِ خودانگیخته را فقط از طریق عذابِ هنرمی‌یابد. فیلسوف برای به چنگ گرفتن نمودِ گریزِ پا باید آن را به غل و زنجیرِ قاعده بکشد، جسمِ زیبایش را در مفاهیم از هم بَدَرَد، و روحِ زنده‌اش را در اسکلتِ سُستی از کلمات محفوظ بدارد. آیا جای شگفتی است اگر احساسِ طبیعی در چنین روگرفتی^۲ دوباره پیدا نشود و حقیقت در گزارشِ فردِ تحلیلگر همچون ناسازه‌ای جلوه کند؟

از این رو، اگر پژوهش‌هایی که در پی می‌آیند موضوعِ خود را، در تلاش برای نزدیک ساختنِ آن به فاهمه، از حس دور کنند، شما با من قدری مدارا کنید. آنچه آنجا در مورد تجربه‌های اخلاقی صدق می‌کند، باید به درجه‌ای از آن هم بیشتر در مورد نمودِ زیبایی صادق باشد. جادوی نمودِ زیبایی سراسر برآز آن مبتنی است و اگر اتحادِ ضروری عناصرش ملغی شود، ذاتش نیز ملغی می‌گردد.

1. Erscheinung

2. Abbild